

طلاق در ادیان ابراهیمی

درنگی بر آموزه‌های کتاب‌های آسمانی

قرآن کریم، عهد عتیق و عهد جدید

رضا کتانی

مقدمه

امروزه طلاق به یکی از پدیده‌های مهم و حائز اهمیت جوامع امروزی تبدیل شده و به تبع آن، بررسی و مطالعه درباره‌ی آن نیز گسترش یافته است.

از دیگر سو، ادیان - به خصوص ادیان ابراهیمی - به این مفهوم توجه ویژه‌ی نشان داده و می‌توان در آثار مکتوب این ادیان، آیات و فرامین بسیاری در خصوص طلاق و گسست‌های زناشویی سراغ گرفت. تردیدی نیست که رویکرد این گونه کتاب‌ها، عفت‌گرایانه و کنش‌گرایانه در باورها و تفکرات پیروان آن ادیان داشته است. چرا که کتاب‌های آسمانی ادیان، به‌عنوان منبع اصلی و اساسی ادیان محسوب شده و اندیشه و رفتار مردمان، ریشه در آن دارد.

در بررسی حاضر نیز کوشش شده است با مراجعه به متن قرآن کریم، عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل) که کتاب‌های مقدس سه دین بزرگ و کهن اسلام، یهودیت و مسیحیت محسوب می‌شوند، به مطالعه‌ی مفهوم طلاق پرداخته شود. و نظر این سه کتاب در این خصوص به صورت مقایسه‌ای بررسی گردد.

گسست‌های زناشویی و طلاق

از فروپاشی پیوند زناشویی، بین زوجین تحت عنوان گسست زناشویی یاد می‌شود. در تعریفی دیگر، «شکستن واحد خانواده و تجزیه‌ی نقش‌های اجتماعی که در نتیجه‌ی آن یک یا تنی چند از اعضای خانواده به‌طور ارادی یا غیرارادی تکالیف ناشی از نقش خود را آن‌طور که باید و شاید انجام ندهند، گسست زناشویی نامند». (گف، ۱۳۵۲، ص ۲۴۸) شایع‌ترین نوع گسست زناشویی، طلاق خوانده می‌شود. به‌عبارت دیگر یک ازدواج رسمی و قانونی به‌وسیله‌ی طلاق خاتمه پیدا می‌کند. در تعریف طلاق آمده است: «انحلال رابطه‌ی زن و شوهری در ازدواج دائم که به‌دنبال آن از نظر رعایت حقوق و تکالیف زناشویی مسؤلیتی برابر زن و شوهر وجود ندارد طلاق نامیده می‌شود». (بهشتی، ۱۳۵۸، ص ۲۲۲) به‌طور کلی در ادیان الهی طلاق امر مطلوبی نیست و در کراهت آن آیات فراوانی وجود دارد. در قرآن، تورات و انجیل نیز آیات بسیاری وجود داشته که در آنها به دوری از طلاق توصیه شده است.

الف) طلاق در قرآن کریم

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد طلاق در نزد ادیان الهی،

پسندیده نبوده و در کتاب‌های آسمانی ادیان، شواهدی حاکی از کراهت و قبح آن به چشم می‌خورد. این امر می‌تواند در انجام طلاق موثر واقع گردد چرا که طلاق در بین جوامع مذهبی شیوع چندانی نیابد. در قرآن نیز این مفهوم پسندیده نبود و به دوری از آن اشاره شده است. با بررسی آیات قرآن کریم می‌توان این گونه ادعا نمود که کتاب آسمانی قرآن به همان اندازه که به ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت داده، از فروپاشی آن بیزار و متنفر است. برای همین در آیات این کتاب آسمانی ذکر شد هنگام اختلافات زناشویی در صورتی که پیش‌بینی می‌شود اختلافات بالا بگیرد، بهتر است دلاوری از جانب مرد و زن به موضوع رسیدگی کرده و آن را حل و فصل نمایند. در سوره مبارکه‌ی نسا آمده است: «چنان‌چه بیم آن دارید که نزاع و خلاف سخت بین زن و شوهر پدید آید از طرف خانواده‌ی مرد و خانواده‌ی زن دلاوری انتخاب کنید، اگر نیت صلاح در کار باشد، تا خداوند آن دو را به اصلاح موفق فرماید که خداوند بر همه دانای و از همه چیز آگاه است». (سوره‌ی نسا، آیه ۳۴)

با وجود این، در برخی اوقات تفاهم بین زوجین امکان‌پذیر نیست و امید اصلاح و بهبودی نیز وجود ندارد، در این صورت راه طلاق باز است و زن و شوهر می‌توانند از هم جدا شوند.

در سوره‌ی مبارکه‌ی طلاق ضمن آنکه از مردان خواسته شده به ادای حقوق زنان همّت گمارده و به آن توجه داشته باشند توصیه شده است که زنان را از خود دور نکنند مگر آن‌که مرتکب عمل نادرست و زشتی شده باشند. «و آن زنان را از خانه بیرون نکنید مگر آن‌که کار زشتی آشکار مرتکب شوند. این حدود خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشش ظلم کرده است. تو نمانی شاید خدا کاری از نو پدید آرد». (سوره طلاق، آیه ۱)

هم‌چنین در قرآن آمده، زن می‌تواند پس از جدایی از شوهر، مجدداً ازدواج کند و مرد نمی‌تواند همسر مطلقه خود را از ازدواج منع کند. «و چون زنان را طلاق دادید و زمان عدلی آنها به پایان رسید، آن‌ها را از این که با شوهران‌شان زناشویی کنند منع نکنید». (سوره‌ی بقره آیه ۲۳۲)

لزوم رعایت اخلاق اسلامی در طلاق

در قرآن کریم آیاتی ذکر شده که به قوانین و احکام طلاق اشاره دارد که مسلمین را به اجرای آن ملزم می‌نماید. از مهم‌ترین احکام مربوط به طلاق که کتاب قرآن بدان اشاره دارد،

رعایت اخلاق اسلامی ست. براساس آیات قرآن، مرد و زن باید هم در زناشویی و هم در طلاق حرمت همسر خود را نگاه داشته و به حق و حقوق او احترام گذارند. در این خصوص در سوره بقره آمده است: «چون زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود رسیدید یا به نیکویی نگاهشان دارید، یا به نیکویی رهایشان سازید و برای خیره زدن و زیان رساندن نگاهشان مندرید ناستم کرده باشید، و هر گاه چنین گفت بر خود نستم کرده و آیات خدا را به شوخی و ریشخند مگیرید، و نعمتی را که خداوند به شما ارزانی داشته و آن چه از کتاب و حکمت بر شما فرو فرستاده که شما را بطن پند می دهد به یاد آرید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به همه چیز آگاه است». (سوره بقره، آیه ۲۲۱)

ایلاء

یکی دیگر از احکام مرتبط با طلاق که در قرآن هم بیان اشاره شده است «ایلاء» است و آن قسمی از سوی مرد است تا به مدت پیش از چهار ماه از آمیزش با همسرش خودداری کند.

در گذشته ایلاء برای تنبیه زنان و ناراحت کردن و ضرر رساندن به آنها از سوی مردان اجرا می شد. زنی که این گونه مورد مجازات قرار می گرفت، حق آمیزش با مرد خود را نداشت. هم چنین نمی توانست با مرد دیگری ازدواج کند، خداوند در خصوص این گونه سبکگذاشته و هرگز توصیه می کند: «خداوند را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید که ترک نیکی و تقوا کنید و میان مردم اصلاح نکنید». (سوره بقره، آیه ۲۲۲)

اما چنان چه مردی قصد داشت این گونه با همسرش رفتار کند، دو راه در برابر خود دارد: یا آن که قسم خود را شکسته و کفاره دهد یا این که با احترام زنش را طلاق دهد. در سوره مبارکه بقره آیات ۲۲۴ و ۲۲۷ در این خصوص چنین می خوانیم: «کسانی که به وسیله می سوگند از زنانشان کناره گیری می کنند، چهار ماه فرصت دارند، اگر بازگشتند خداوند آمرزنده و مهربان است (۲۲۴) و اگر تصمیم به طلاق گرفتند، خداوند بر کارشان شنوا و داناست». (سوره بقره، آیات ۲۲۴-۲۲۸)

ب- طلاق در عهد عتیق (تورات)

در عهد عتیق با موارد نادری از طلاق برمی خوریم، چرا که این کتاب طلاق را پدیده ای ناپسند خواننده و در کراهت و قبیاحت آن آیاتی به چشم می خورد. چنان چه در باب دوم از کتاب ملاکی نفرت خداوند از طلاق آمده است: «خداوند، خدای اسرائیل می فرماید: من از طلاق نفرت دارم، هم چنین از مردان سنگ دلی که زنان خود را طلاق می دهند، پس مواظب باشید که به همسر خود خیانت نکنید». (ملاکی، ۲: ۱۶)

این آیه مردانی را که قصد طلاق زنان را دارند، سنگ دل خوانده و به آن ها هشدار داده که هرگز به زنان شان خیانت نکرده و نیبیت به آن ها همواره وفادار باشند.

مقایسه ی موقعیت زن و شوهر از نظر طلاق

در تورات آمده که مردان حق طلاق زنان را دارند. بر این اساس چنان چه مردی قصد طلاق زنی را داشته باشد کافی است بگوید:

طلاق نامه ای بدهد. در این کتاب دلیلی حاکی از این که زنی می تواند از مرد خود جدا شود نیامده است. در واقع، این مردان هستند که می توانند از زنان شان جدا شده، آن ها را طلاق دهند. این نکته در آیاتی که در موضوع طلاق آمده، به خوبی نمایان است. در این آیات معمولاً مخاطب مردان بوده و به آنها توصیه شده از زنان خود جدا نشوند، از مواردی که مرد می توانسته زن خود را طلاق دهد، زنا و خیانت زن است. در کتاب تشبیه آمده اگر در هنگام ازدواج مشخص شود عروس باکره نبوده، زن باید سنگسار شود اما اگر این امر نهمتی از جانب مرد باشد، نه تنها مرد باید خزینه پرداخت کند بلکه حق طلاق زن را نیز نخواهد داشت. هم چنین اگر مردی به دختری که نامزد ندارد تجاوز کند ضمن ازدواج با او هرگز حق طلاق آن دختر را نخواهد داشت.

نظر دو پیامبر عهد عتیق درباره ی طلاق

از آن جا که در عهد عتیق به طلاق سفارش نشده و از آن به عنوان پدیده ی ناپسند و ناپسند یاد شده است، قوانین الهی درباره ی آن به چشم می خورد. یکی از این قوانین از زبان حضرت موسی در کتاب تشبیه آورده شده است. بر این اساس اگر مردی بعد از آن که پیوند زناشویی با زنی منعقد نموده، به عللی از او راضی نبود، می تواند طلاق نامه یی به دست او داده و از او جدا شود. اما چنان چه آن زن با کس دیگری ازدواج کند و پس از مدتی شوهر دوم آن زن بمیرد و یا او را طلاق دهد، شوهر اولش حق ندارد با او دوباره ازدواج نماید. در کتاب تشبیه از قول موسی می خوانیم:

«اگر مردی پس از ازدواج با زنی، به عللی از او راضی نباشد و طلاق نامه یی نوشته، به دستش دهد و او را رها سازد و آن زن دوباره ازدواج کند و شوهر دوم نیز از او راضی نباشد و او را طلاق دهد یا بمیرد، آن گاه شوهر اولش نمی تواند دوباره با او ازدواج کند، زیرا آن زن نجس شده است. خداوند از چنین ازدواجی متنفر است و این عمل باعث می شود زمینی که خداوند خدایانان به شما داده است به گناه آلوده شود». (تشبیه، ۳۲: ۵-۱)

این مطلب در کتاب ارمیا نیز از زبان این پیامبر عهد عتیق آورده شده است. در این کتاب ارمیا از قول خداوند می گوید: اگر مردی زن خود را طلاق داده و آن زن، همسر دیگری برگزیند، شوهر اولش نباید دیگر او را به همسری برگزیند. ارمیا دلیل این کار را فاسد شدن و بی عفت شدن آن زن می داند و مردان را از ارتکاب به چنین ازدواجی باز می دارد.

ج) طلاق در عهد جدید (انجیل)

در عهد جدید طلاق زشت تر و قبیح تر از قرآن و عهد عتیق تلقی شده و از این رو کسی حق انجام آن را ندارد. در انجیل متی می خوانیم وقتی از عیسی درباره طلاق سوال می کنند او ارتکاب به این کار را به شدت نهی می کند.

«آن گاه بعضی از فریسیان پیش آمدند تا با بحث و گفت و گو او را غافلگیر کنند. پس به عیسی گفتند: آیا شما اجازه می دهید مرد، زن خود را طلاق دهد؟»

عیسی جواب داد: «مگر شما کتاب آسمانی را نمی‌خوانید! در کتاب آسمانی نوشته شده است که در آغاز خلقت، پروردگار مرد و زن را آفرید و دستور داد مرد از پدر و مادر خود جدا شود. برای همیشه به زن خود پیوندد و با او یکی شود. به طوری که آن دو نفر دیگر دو تن نیستند، بلکه یک تن‌اند. هیچ انسانی حق ندارد آن دو را که خدا به هم پیوسته است جدا کند». پرسیدند: «اگر چنین است چرا موسی فرموده که مرد می‌تواند زنش را طلاق بدهد و کافی است که طلاق‌نامه‌ی بنویسد و به دست زنش بدهد و از او جدا شود!»

عیسی جواب داد: «موسی چنین گفت زیرا می‌دانست شما چه قدر سنگ‌دل و بی‌رحم هستید. اما این چیزی نبود که خداوند در آغاز خلقت در نظر داشت. و من به شما می‌گویم که هر کس زن خود را به هر علتی به غیر از زنا طلاق دهد و با زن دیگری ازدواج کند، زنکار محسوب می‌شود». (متی، ۱۹: ۹-۱۰)

عیسی با تکیه بر این موضوع که در آغاز خلقت، خداوند مرد و زن را برای هم آفرید تا آن دو یک تن شوند، رابطه تمام مردها و زن‌ها را این‌گونه دسته‌بندی کرد. از این رو معتقد است پیوند زناشویی، پیوندی خدایی است که کسی حق بر هم زدن آن را ندارد.

او ضمن سنگ‌دل خواندن مردانی که قصد طلاق زنان‌شان را دارند به این نکته اشاره می‌کند که چنانچه مردی زن خود را طلاق بدهد و با زن دیگر ازدواج کند، رابطه‌ی جنسی این مرد با همسر دومش حکم زنا را خواهد داشت. براساس این آیات تنها ارتکاب به زنا است که به مرد حق طلاق زن را می‌دهد و در سایر موارد مرد حق چنین کاری را ندارد. قباحات طلاق از نظر عیسی در باب پنجم از انجیل متی نیز آمده است:

«گفته شده است که: اگر کسی می‌خواهد از دست زنش خلاص شود، کافی است طلاق‌نامه‌ی بنویسد و به او بدهد. اما من می‌گویم هر که زن خود را بدون این که خیانتی از او دیده باشد طلاق دهد و آن زن دوباره شوهر کند، آن مرد مقصر است زیرا باعث شده زنا کند، و مردی نیز که با این زن ازدواج کرده، زنکار است». (متی، ۵: ۳۱-۳۲)

عیسی به این نکته اشاره می‌کند که خداوند نیز قطعاً با بر هم خوردن پیوند زناشویی به شدت مخالف است در انجیل مرقس آمده است:

«ولی قطعاً خواست خدا چنین نیست. چون خدا از همان ابتدا، مرد و زن را برای پیوند همیشگی آفرید». مرقس: ۱۰: ۶-۷

احکام طلاق در عهد جدید

همان‌طور که اشاره شد در عهد جدید طلاق به شدت نهی و به دوری از آن توصیه شده است. در این کتابچه نظرات عیسی درباره‌ی طلاق آمده است بدین صورت که آن را عملی شرم‌آور و گناهی بزرگ که برخلاف نظر خداوند است معرفی نموده است. در کتاب لوقا آمده است هر مردی که زن خود را طلاق بدهد و بعد از آن، با زن دیگری ازدواج کند، حکم زنا را دارد. هم‌چنین اگر مردی با زن طلاق داده شده‌ی پیوند زناشویی ببندد مرتکب زنا شده و باید حکم زنا درباره‌شان اجرا شود: «هر که زن خود را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند زنا می‌کند و

هر مردی نیز که با زن طلاق داده شده‌ی ازدواج کند، در واقع مرتکب زنا می‌شود». (لوقا، ۱۶: ۱۸)

در انجیل مرقس نیز همین موضوع آورده شده است:

«اگر مردی همسرش را طلاق دهد و با زبان دیگری ازدواج کند نسبت به همسرش زنا کرده است. هم‌چنین اگر زنی از شوهرش جدا شود و با مرد دیگری ازدواج کند، او نیز زنا کرده است». (مرقس، ۱۰: ۱۱-۱۲)

آیه‌ی دیگری که به صراحت درباره‌ی منع طلاق برای مسیحیان آمده در کتاب اول قورنتیان، باب هفتم ذکر شده است. در این آیه پولس نبی به صراحت دستور می‌دهد زوجین نباید پیوند زناشویی خود را بر هم بزنند چون این عمل گناه بزرگی قلمداد می‌شود:

«در این جا برای آنانی که ازدواج کرده‌اند، دیگر نه یک توصیه بلکه یک دستور داریم، دستوری که از جانب من نیست بلکه خود خداوند آن را فرموده است و آن این است که زن نباید از شوهرش جدا شود». (اول قورنتیان، ۷: ۱۰)

پولس این دستور را از جانب خدا به مسیحیان ابلاغ می‌کند و آن‌ها را ملزم به اجرای آن می‌نماید.

حاصل سخن

مفهوم طلاق در آیات قرآن، عهد عتیق و عهد جدید آمده و هر سه کتاب، پیروان خود را از ارتکاب به آن نهی می‌کنند. در این پژوهش به بررسی میزان شیوع طلاق و درجه‌ی قباحات آن در قرآن، عهد عتیق و عهد جدید پرداخته و نظر این سه کتاب درباره مفهوم طلاق آورده شد. نکته‌ای که ذکر آن مهم به نظر می‌رسد آن است که اگر چه در سه دین اسلام، یهودیت و مسیحیت مفهوم طلاق مفهومی ناپسند و قبیح معرفی شده است اما این سه دین درباره‌ی طلاق آداب و قوانین مشابهی نداشته و در آیات مندرج در کتاب‌های آسمانی‌شان احکام طلاق یکسان نیست. در کتاب آسمانی دین مبین اسلام، قرآن، به طلاق توصیه نشده و اصل را بر رفع اختلافات زناشویی گذاشته است، در این کتاب به همان اندازه که به ازدواج توجه شده، به دوری از طلاق نیز توصیه شده است. با وجود این طلاق در قرآن، عملی حرام تلقی نشده و چنانچه امید اصلاح و حفظ کانون زناشویی امکان‌پذیر نباشد، راه طلاق باز است. در عهد عتیق نظر خداوند درباره طلاق ذکر گردید که آن را عمل نفرت‌انگیز معرفی نموده است. در این کتاب از قول موسی می‌خوانیم چنانچه مردی بخواهد زنش را طلاق بدهد، می‌تواند طلاق‌نامه‌ی به دست او داده و او را ترک نماید.

در مقایسه با عهد عتیق این مسأله در عهد جدید به گونه‌ی دیگر آورده شده و احکام شدیدتری برای آن ذکر گردیده است. براساس آیات این کتاب، چنانچه مردی زنش را طلاق بدهد، مرتکب عملی ناپسند شده است و اگر آن مرد با زن دیگری ازدواج نماید، حکم زنا را پیدا می‌کند. در عهد جدید عنوان شده: مرد، زمانی می‌تواند همسر خود را طلاق بدهد که او مرتکب خیانت یا زنا شده باشد.

در عهد جدید نظر عیسی درباره طلاق آمده است به نظر او چون خداوند از آغاز مرد و زن را برای هم آفرید پیوند این دو، پیوند

- 11- Christenson, Lam'. (1970). The Christian Family, United States of America: Published by Bethany Fellowship.
 12- Daugherty, Billy Joe. (1991). Building Strong Marriages and Families, United States of America: Published by Harrison House.
 13- Norman Wright H (1974). Communication, Key To Your Marriage, United States of America: Published by Regal Books.
 14- The NIV (New International Version, Study Bible) (1985). United States of America: Published by the Zondervan Corporation.

ناگسستی است و کسی حق بر هم زدن آن را ندارد. عیسی عنوان می‌دارد که خواست خداوند نیز جدایی بین زن و مرد نبوده و با آن مخالف است. هم‌چنین در این سه کتاب، قوانین و دستورات ویژه‌ی درباره‌ی طلاق ذکر شده است. قرآن اگر چه حق طلاق را به مردان داده اما به آنها نیز توصیه نموده است که با زنان خود چه در زناشویی و چه هنگام طلاق به نیکویی رفتار نموده و به حقوق همسر خود پایبند باشند. هم‌چنین از انجام سوگندهایی که حق و حقوق زنان را پایمال می‌کند (هم‌چون ایلاء) پرهیزند.

بر اساس آیات تورات، اگر مردی زنش را طلاق بدهد و آن زن مجدداً از دواج کند و پس از آن شویش مرده و یا دوباره او را طلاق دهد، زن نمی‌تواند با شوهر اولش مجدداً ازدواج کند. به نظر حضرت موسی این کار باعث می‌شود زمین علت این کار را فاسد شدن و بی‌عفت شدن آن زن می‌داند.

عهد جدید ضمن شرم‌آور خواندن طلاق، به این نکته اشاره دارد که زنان حق جدایی از شوهران شان را ندارند. این مطلبی است که در کتاب اول قرتیان از قول پولس آمده و آن را نه یک توصیه، بلکه دستوری از جانب خدا می‌داند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- منظور طلاق است.
- ۲- بر اساس این اصل «... امپراطورهای مسیحی، برای شوهری که بدون علت موجه زن خود را طلاق دهد، مجازات قائل شده بودند». (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۲۱۲)

منابع

- ۱- ترجمه تفسیری کتاب مقدس، ۱۹۹۵، انگلستان: انجمن بین‌المللی کتاب مقدس.
- ۲- حسینی بهشتی، سیدمحمد و دیگران، ۱۳۵۸، شناخت اسلام، چاپ اول، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- ۳- سهرابی، ایوب، ۱۳۸۲، خانواده، جمعیت و تنظیم خانواده، چاپ ششم، تبریز، نشر اختر.
- ۴- قرآن کریم، ۱۳۶۹، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ اول، قم، انتشارات مصطفی.
- ۵- قرآن کریم، ۱۳۶۳، ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند، چاپ اول، قم، دارالقرآن کریم، «دفتر مطالعات تاریخ و معارف انبلی».
- ۶- گود، ویلیام جی، ۱۳۵۲، خانواده و جامعه، ترجمه‌ی وینا ناصحی، چاپ اول، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۷- محمدی، مجید، ۱۳۸۰، بر بوم‌های آسمان، چاپ اول، تهران، نشر مرکز.
- ۸- محمدیان، بهرام و دیگران، ۱۳۸۱، دایرةالمعارف کتاب مقدس، چاپ اول، تهران: انتشارات روز نو.
- ۹- مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ هشتم، قم، انتشارات صدرا.
- ۱۰- هاکس، جیمز، ۱۳۷۷، قاموس کتاب مقدس، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر.

قصیده‌ی وطنیه

شعر و خط از: غلام حسین قرشی

(وطن)